

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال هشتم، شماره سی‌ام، تابستان ۱۳۹۵، ص ۸۶-۵۷

جایگاه خبر و انشای طلبی در انتقال اندیشه‌های تعلیمی خسرو و شیرین نظامی

دکتر سیده مریم روضاتیان^۱ - فرزانه امیرپور^۲

دکتر حسین آقاحسینی^۳

چکیده

حکیم نظامی از بزرگ‌ترین شاعران ادب فارسی است که در آثار خود به اندیشه‌های تعلیمی توجه ویژه دارد. او در غنایی‌ترین اثر خود یعنی منظومه خسرو و شیرین نیز بسیار به مسائل تعلیمی و اخلاقی اشاره می‌کند و در این راه به نحو مؤثری از ابزارهای بلاغی و به‌ویژه علم معانی بهره می‌برد. این شاعر بزرگ با استفاده از علم معانی و ابزارهای مناسب آن مانند جملات خبری، امری و پرسشی به شیوه‌ای مؤثر، موفق به انتقال مفاهیم اخلاقی و تعلیم آن‌ها به مخاطب خود شده‌است و در عین حال از این طریق حضور مخاطب در متن را نیز برجسته‌تر نشان داده‌است. در این پژوهش به بررسی این دسته از جملات و معانی ثانویه آن‌ها پرداخته شده، لطایف و ظرایف سه

؛ دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان Sm.rozatian@lt.ui.ac.ir

؛ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان farzaneamirpour@yahoo.com

؛ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان h.aghahosaini@gmail.com

تاریخ پذیرش ۹۵/۳/۱۹

تاریخ وصول ۹۴/۱۰/۲۹

مبحث از علم معانی یعنی جملات خبری، امری، پرسشی و نقش و تأثیر آن‌ها در انتقال مؤثر اندیشه‌های تعلیمی شاعر در یک متن غنائی تبیین شده‌است.

واژه‌های کلیدی

ادبیات تعلیمی، ادبیات غنایی، علم معانی، خسرو و شیرین، نظامی.

مقدمه

ادب غنایی در مفهوم واژه به معنای ادبیاتی است که با موضوع سرودخوانی و آواز همراه است و بیشتر در قالب مثنوی و غزل سروده شده‌است. «در عاشقانه‌ها و ادب غنایی حس و عاطفه فرد نسبت به موضوع خاص که از کنش‌های فردی و اجتماعی اثر می‌پذیرد، دخیل است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۳۲-۳۳). همانند عاشقانه‌های نظامی در خسرو و شیرین که احساسات او را در عشقی زمینی نشان می‌دهد. در شعر فارسی وسیع‌ترین افق معنوی و عاطفی افق شعرهای غنایی است. «موضوعاتی که در ادب فارسی حوزه شعر غنایی را تشکیل می‌دهد تقریباً تمام موضوعات رایج به‌جز حماسه و شعر تعلیمی است. در یک نگاه اجمالی شعرهای عاشقانه، عرفانی، مذهبی، هجو، مدح و وصف طبیعت همگی مصادیقی از شعر غنایی به شمار می‌رود» (رزمجو، ۱۳۸۲: ۸۵). بر همین قیاس شعر تعلیمی نیز ماده خاص خود را دارد که دانش و اخلاق است و از نظرگاه فلسفی و اخلاقی به موضوعات می‌پردازد. نکته مهم این است که «یکی از ارکان استوار ماندگاری و جاودانگی یک اثر در مشرق زمین تأکید بر اصول و آموزه‌های پندگونه و اخلاقی است» (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

ادبیات تعلیمی علاوه بر شکل مستقل آن که در قالب آثار اخلاقی عرضه می‌شود، در لابه‌لای انواع ادبی دیگر اعم از حماسی، غنایی و عرفانی نیز به چشم می‌خورد و این

موضوع بیش از هر چیز از این اندیشه برخاسته است که در نگاه پیشینیان ادبیات قابلیت دارد در کنار بیان احساسات و عاشقانه‌ها، دستورالعمل‌های اخلاقی، پیشنهادها و راهکارهای انسانی را با ظریف‌ترین شیوه‌های بلاغی و هنری تعلیم دهد. از سوی دیگر باید توجه داشت که در گذشته بسیاری از شاعران حکیم نیز بوده‌اند و در علوم زمانه مهارت داشته‌اند و بنا بر اقتضای شخصیت علمی و اجتماعی، شعرشان سرشار از مضامین اخلاقی و تربیتی بوده است. از جمله این شاعران می‌توان به نظامی اشاره کرد (ر.ک. شهابی، ۱۳۳۴: ۴۲-۳۲). نظامی در خسرو و شیرین با تأثیرپذیری از ویس و رامین داستان‌سرایی عاشقانه را گسترش می‌دهد. ریشه‌های این داستان یک ماجرای تاریخی است که متعلق به دوره ساسانی است و چنان‌که نظامی در آغاز داستان گفته؛ هسته آن از شاهنامه گرفته شده است اما در کتبی از قبیل المحاسن و الاضداد (۱۶۷) غر اخبار ملوک فرس (۴۴۰-۴۳۹) و تاریخ بلعمی (۲۲۰) نیز به این داستان اشاره شده است (ریاحی، ۱۳۵۸: ۳۱). این منظومه که ۶۵۰۰ بیت دارد، داستانی عاشقانه از عشق خسرو پرویز پادشاه ایرانی به شیرین شاهزاده ارمنستان را بیان می‌کند و کاملاً در حوزه ادب غنایی قرار دارد. در عین حال این شاهکار ادب غنایی، جلوه‌های دیگری از ادبیات به‌ویژه ادب تعلیمی را نیز به نمایش می‌گذارد. نظامی در این غنایی‌ترین اثر خود، در ضمن حوادث عاشقانه داستان به شیوه‌ای هنرمندانه به مسائل تعلیمی گریز می‌زند و در این راه از توفیق بسیاری می‌یابد زیرا بدون این که از جذابیت داستان عاشقانه او کاسته شود و در حوادث داستان گسستگی پدید آید یا مخاطب به دلیل مضامین پند و اندرز دچار خستگی و کسالت شود، اندیشه‌های تعلیمی خود را به مخاطبان منتقل می‌کند. از ابزارهای بلاغی کارآمد که نقش عمده‌ای در بیان اندیشه‌های تعلیمی و ابلاغ پیام‌های اخلاقی نظامی در این اثر غنایی داشته است، علم معانی است. در این پژوهش نقش علم معانی در انتقال پیام‌های تعلیمی خسرو و شیرین، بررسی شده تا مشخص شود نظامی

هنگامی که در اوج داستانی غنایی و عاشقانه خواسته‌است به پند و اندرز و تعلیم روی بیاورد، از چه نوع جمله‌هایی استفاده کرده‌است و چگونه آن‌ها را به کار برده‌است تا مضامین مورد نظر به بهترین شکل به مخاطب منتقل شود. بررسی این دسته از جملات و اغراض ثانویه آن‌ها برای شناخت اندیشه نظامی و اهداف تعلیمی او بسیار ضروری است. با بررسی نوع جملات به کار رفته در ابیات تعلیمی و اغراض و معانی ثانویه آن‌ها، چگونگی پیوند زبان و اندیشه غنایی نظامی با اهداف تعلیمی او در این اثر مشخص می‌شود. هم‌چنین در این پژوهش مشخص می‌شود که آیا نظامی به روش مستقیم و با کاربرد معانی حقیقی جملات به موعظه و تعلیم پرداخته یا برای تأثیر بیشتر از روش غیرمستقیم و معانی ثانویه بهره برده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که در ارتباط با تأثیر علم معانی در ادبیات تعلیمی صورت گرفته محدود است که از آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- ۱- محمودی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی اغراض بلاغی خبر و انشا در سبک تعلیمی ناصر خسرو» اشعار ناصر خسرو را از این منظر بررسی کرده‌است.
- ۲- میرباقری فرد و محمدی (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی و نقش پرسش در آثار عین‌القضات همدانی» مبحث پرسش را در آثار تعلیمی عین‌القضات بررسی کرده‌اند.

متن

۱- اهمیت ادبیات تعلیمی در خسرو و شیرین نظامی

از جمله ویژگی‌های شعر نظامی توجه به شیوه‌های بلاغی و علم معانی برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب است. دانش معانی که از شاخه‌های بلاغت اسلامی است

«فنی است که به واسطه آن، احوال لفظ معلوم می‌شود از جهت مطابقت با مقتضای حال» (همایی، ۱۳۷۴: ۸۷) و موضوعات مطرح در آن از قبیل انواع جملات خبری و انشایی و کاربرد و معانی ثانویه آن‌ها همگی در ارتباط مستقیم با لایه‌های درونی اندیشه گوینده است. بنابراین در اصطلاح علمای فن «علم معانی دانشی است که زیبایی و تأثیر آثار ادبی را از دیدگاه ساختمان کلام مورد بحث قرار می‌دهد؛ بدین منظور که سخن بنا به مقتضای حال مخاطب یعنی متناسب با میزان فهم و ادراک شنونده بیان گردد» (صادقیان، ۱۳۷۱: ۵۷).

با بررسی ابیات منظومه خسرو و شیرین مشخص شد از مجموع ۶۵۰۰ بیت، ۶۰۰ بیت درون‌مایه تعلیمی دارد که با توجه به قرار داشتن این اثر در ژانر غنایی، این تعداد نشان‌دهنده اهمیت و ارزش بعد تعلیمی اثر برای شاعر است.

هم‌چنین با توجه به نتایج پژوهش، نظامی برای بیان اندیشه‌های تعلیمی خود به ترتیب از جملات خبری، امری و پرسشی بیشترین استفاده را کرده‌است. در این پژوهش تنها این دسته از جملات با تکیه بر دانش معانی و اهمیت معانی ثانویه جملات در آن بررسی قرار می‌شوند.

۲- جملات خبری

در علم معانی جملات به خبری و انشایی تقسیم می‌شوند. «خبر سخنی است که مدلولش در خارج (بیرون از ذهن) و جدای از گفتار وجود داشته باشد. مقصود از راست بودن خبر، هماهنگی آن با واقعیت و حقیقت است و مراد از دروغ بودن خبر ناهماهنگ بودن آن با واقعیت است» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۹۱). بنابراین کلام خبری آن است که صدق و کذب را ذاتاً در ماهیت خود دارد و به وسیله آن عمل اطلاع‌رسانی صورت می‌گیرد، یعنی فرستنده پیام را به گیرنده منتقل می‌کند.

غرض اصلی از جمله خبری، انتقال پیام به شنونده یا خواننده است اما در آثار ادبی غالباً خبر با انگیزه‌های هنری ابراز می‌شود و هدف اصلی آن اطلاع‌رسانی نیست بلکه ایراد سخن فصیح با معانی ثانویه و بنا به مقتضای حال مخاطب، از اهداف اصلی جملات خبری در آثار ادبی است. تفتازانی جمله خبری را به سه نوع افاده حکم، افاده لازم حکم و اغراض دیگر تقسیم می‌کند (تفتازانی، بی‌تا: ۱۹). بر همین اساس صاحب «هنجار گفتار» معتقد است: «مخاطب یا عالم است به حکم کلام یا جاهل است و جاهل یا منکر است و معتقد به خلاف و یا متردد است و در صدد سؤال و یا خالی الذهن؛ پس اگر عالم است، القای کلام به او لغو خواهد بود مگر آن که مقصود، غرض دیگری باشد، نه افاده حکم» (تقوی، ۱۳۶۳: ۲۱-۲۰). در آثار بلاغی جمله خبری را به ابتدایی، طلبی و انکاری تقسیم می‌کنند. پایه این تقسیم‌بندی بر اساس توجه به مخاطب است. منظور از مخاطب طرف مقابلی است که در کلام وجود دارد و مؤکد بودن سخن برای او شکل می‌گیرد. این مخاطب با شنونده یا خواننده عمومی کلام تفاوت دارد. مخاطب جمله‌های خبری ابتدایی، طلبی و انکاری در کلام حضور دارد و متکلم برای مؤثر نمودن سخن خود، با به‌کارگیری عوامل تأکید یا به‌کار بستن آن‌ها، با توجه به وضعیت مخاطب حاضر در سخن، کلام خود را تنظیم می‌کند. در خبر ابتدایی که مخاطب خالی الذهن است متکلم از ترک تأکید، در خبر طلبی که مخاطب سائل است از حسن تأکید و در خبر انکاری که مخاطب منکر است، از وجوب تأکید بهره می‌گیرد اما در هر حال به‌کارگیری عوامل تأکید در مقابل مخاطب سائل یا منکر مطابق با اقتضای حال مخاطب است.

هم‌چنین در کتاب‌های بلاغی درباره مقاصد و اغراض آمده است: مقاصد و اغراض خبر، یکی فایده و دیگری لازم فایده خبر است. زمانی که به مخاطب یا شنونده خبری داده شود که از آن اطلاع نداشته، فایده خبر می‌گویند؛ ولی اگر مخاطب از خبر آگاهی

داشته، هدف گوینده، دادن خبر تازه به شنونده نیست بلکه غرض او از خبر یکی از لوازم حکم است که به آن لازم فایده خبر می‌گویند (ر.ک. رضا نژاد، ۱۳۶۷: ۶۱ و همایی، ۱۳۷۴: ۹۷).

۲-۱- اغراض ثانوی خبر

گاه جملات خبری از قصد اولیه و اصلی خود (دادن پیام به مخاطب) خارج می‌شوند و برای اغراض دیگری به کار می‌روند که به آن معانی ثانوی می‌گویند (شمیسا، ۱۳۷۹: ۶۶). قصد اولیه و اصلی از ایراد جملات خبری، اخبار است یعنی منتقل کردن پیامی به مخاطب اما از جملات خبری برای اغراض دیگری هم استفاده می‌شود که در علم معانی بررسی می‌شود. گاهی مقاصد دیگری، وظیفه اصلی یعنی اخبار را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. به این معنی که معانی ثانوی جمله خبری یکی از لوازم آن است، مثلاً اگر به کسی بگوییم که «من پیر شدم» ممکن است مقصود ما یکی از لوازم این اخبار مثلاً اظهار تأسف و اندوه باشد نه خود نفس خبر و این البته بستگی به مقتضای حال و مقام دارد. پس در هر حالی کلام یا خبر با توجه به اوضاع و احوال فهمیده می‌شود. بر این اساس می‌توان جمله‌ها را به دو دسته تقسیم کرد. نخست جمله‌هایی که هدف از آن‌ها آگاه کردن مخاطب است و دسته دیگر، جملاتی که در آن‌ها احساسات و عواطف اظهار می‌شود. در نوع اول هدف متکلم فقط اعلام خبر است بدون در نظر داشتن اقتضای حال مخاطب اما در نوع دیگر گوینده مخاطب سخن را در نظر داشته‌است و سخن خود را با توجه به او شکل داده‌است. در این دسته از جملات متکلم قصد اخبار و اعلام ندارد بلکه احساس و عاطفه خود را از طریق جمله خبری به مخاطب منتقل می‌کند. در جملات خبری دسته اول، ارتباط با مخاطب از طریق برجسته کردن موضوع شکل می‌گیرد اما در نوع دوم جهت‌گیری اصلی پیام به سوی فرستنده است. یعنی فرستنده با بیان خبر می‌خواهد یکی از ماهیت‌های درونی

خود را اظهار کند. این ویژگی خبر، در حقیقت همان اغراض ثانویه خبر است که یکی از موضوعات اصلی علم معانی محسوب می‌شود.

در بررسی اشعار تعلیمی خسرو و شیرین ۵۳/۲ درصد از پیام‌های تعلیمی شاعر در قالب جملات خبری بیان شده‌است و این امر نشان دهنده اهمیت این دسته از جملات در انتقال پیام‌های تعلیمی این اثر است. می‌توان گفت در ابیاتی که رویکرد تعلیمی دارند امر و نهی‌های پی‌درپی موجب دل‌سردی مخاطب می‌شود. به همین دلیل نظامی برای حفظ جذابیت داستان غنایی و مشتاق نگه‌داشتن مخاطب به ادامه داستان، کوشیده‌است بیشتر از جمله‌های خبری مخاطب محور بهره‌برد و با استفاده از روش‌های متفاوت تأکید در این دسته از جملات به هدف تعلیمی خود دست یابد.

برای بررسی و تحلیل انواع خبر بر اساس حال مخاطب، جملات خبری از نظر ابتدایی، طلبی، انکاری و همچنین اغراض ثانویه، در این اثر بررسی شدند. بررسی جملات خبری از این منظر علاوه بر این که تصور ذهنی شاعر را در مورد سطح ادراک مخاطب نشان می‌دهد، اهداف او از بیان مطلب را نیز تبیین می‌کند و معانی ثانوی، قابلیت‌های خبر و کارکرد آن را در برقراری ارتباط و انتقال پیام نشان می‌دهد.

۲-۲- بررسی کارکرد خبر بر اساس حال مخاطب

گفته شد خبر بر اساس احوال مخاطب به دو بخش ابتدایی و طلبی، انکاری تقسیم می‌شود. در این بخش کارکرد انواع خبر بر اساس حال مخاطب، بررسی و تحلیل می‌گردد زیرا طرح این موضوع بر اهمیت عکس‌العمل مخاطب نسبت به کلام دلالت دارد و می‌تواند نشان دهنده ذهنیت متکلم درباره سطح آگاهی مخاطب و انعکاس آن در نحوه بیان مطلب باشد.

۲-۲-۱- خبر ابتدایی در ابیات تعلیمی

آن دسته از جملات خبری که از تأکید خالی باشند، خبر ابتدایی نامیده می‌شوند. در

این حالت مخاطبی در تصور متکلم خلق شده که در برابر خبر، حالت شک یا انکار ندارد. نظامی با در نظر گرفتن احوال مخاطب خود گاه برای بیان اندیشه‌های تعلیمی خود از جملات خبر ابتدایی بهره می‌برد و از این طریق از مخاطبی که مردد یا منکر نیست به صورت عاملی برای گرفتن تأیید درونی و ذهنی نسبت به اندیشه و آموزه‌های تعلیمی خود استفاده می‌کند.

جهان نیمی ز بهر شادکامیست دگر نیمه ز بهر نیکنامیست
(نظامی، ۱۳۹۱: ۱۵۱)

در این صندل سرای آبنوسی گهی ماتم بود گاهی عروسی
(همان: ۲۶۸)

قابلیت این دسته از جملات خبری در پذیرش مفاهیم تعلیمی و انتقال معانی ثانوی برای نظامی امکانات گوناگونی فراهم آورده است تا به وسیله این جملات اندیشه‌های تعلیمی خود را به شکل مؤثرتری بیان کند. به طور کلی به هنگام تعلیم میزان تأثیرگذاری نوشتار از گفتار کمتر است زیرا در گفتار عواملی مانند آهنگ کلام، تکیه‌ها و درنگ‌ها، حالات دست و صورت و از همه مهم‌تر حضور مستقیم مخاطب به یاری متکلم می‌آیند تا کلامی مؤثرتر داشته باشد. به همین دلیل در متن‌های تعلیمی به دلیل حضور نداشتن متکلم و مخاطب به صورت مستقیم، دانش و اطلاعات متکلم در زمینه علم معانی می‌تواند بسیار کارگشا باشد. نظامی شاعری است که با تکیه بر این دانش و ظرفیت جملات در پذیرش معانی ثانویه، به هنگام بیان اندیشه‌های تعلیمی خود برای جبران ضعف شیوه نوشتاری، جملات خبری را با شیوه‌های متفاوت و با معانی ثانوی به کار می‌برد و از این طریق بر مخاطب تأثیر بیشتری می‌گذارد. به نظر می‌رسد هنگام بیان اصول اخلاقی و تعلیمی، تمامی خوانندگان این اثر در مد نظر شاعر بوده‌اند به همین دلیل نظامی برای تأثیرگذاری بیشتر بر این دسته از مخاطبان و انتقال پیام به آن‌ها،

از روش‌های متنوعی در شیوه بیان خود بهره می‌برد. این شیوه‌های متنوع در کاربرد خبر ابتدایی، سبب انتقال بهتر پیام در اثر مذکور گشته‌است.

- بیان خبر ابتدایی همراه با اطناب: خبر ابتدایی در خسرو و شیرین گاه با اطناب و شرح در ابیات بعدی همراه است. شاید خالی‌الذهن بودن مخاطب و ناآگاهی او یکی از دلایل این اطناب و شرح باشد.

به‌عنوان مثال شاعر در ابیاتی که در مذمت حرص و طمع و ستایش قناعت آورده در چند بیت متوالی و با استفاده از جملات خبر ابتدایی به این موضوع می‌پردازد و از طریق اطنابی که در محور عمودی ابیات به وجود می‌آورد باعث تأثیرگذاری بیشتر و انتقال سریع‌تر پیام اخلاقی خود می‌شود.

جهان تلخ است خوی تلخناکش	به کم خوردن توان رست از هلاکش
ز کم خوردن کسی را تب نگیرد	ز پر خوردن به روزی صد بمیرد
حرام آمد علف تاراج کردن	به دارو طبع را محتاج کردن
چو باشد خوردن نان گلشکر وار	نباشد طبع را با گلشکر کار
غم دنیا کسی در دل ندارد	که در دنیا چو ما منزل ندارد

(نظامی، ۱۳۹۱: ۱۷۸)

- استفاده از جملات دعایی همراه با جمله خبری. در بررسی ابیات تعلیمی مشخص شد گاه شاعر برای افزایش بار عاطفی جمله و تأثیر بیشتر بر مخاطب، پیام اخلاقی خود را در قالب خبر ابتدایی و همراه با جمله دعایی بیان کرده‌است.

گر از دنیا وجوهی نیست در دست	قناعت را سعادت باد کان هست
------------------------------	----------------------------

(همان: ۱۵)

ز مغروری کلاه از سر شود دور	مبادا کس به زور خویش مغرور
-----------------------------	----------------------------

(همان: ۱۸۷)

- استفاده از حرف پیوند «که» در جملات اسنادی. در این دسته از جملات اگرچه

شاعر اندیشه تعلیمی خود را در قالب خبر ابتدایی بیان می‌کند اما از طریق حرف پیوند «که» به طور ضمنی برای سخن خود دلیلی می‌آورد و از این طریق باعث جلب توجه مخاطب می‌شود. در علم معانی این کاربرد حرف «که» را می‌توان نوعی اطناب و از نوع ایضاح پس از اطناب دانست.

سخن در تندرستی تندرست است که در سستی همه تدبیر سست است
(نظامی، ۱۳۹۱: ۲۲۷)

۲-۲-۲- خبر طلبی

گاه اقتضا می‌کند که شاعر مخاطب غیرمنکر را مردد یا منکر فرض کند، بدین معنی که اصل اولیه در کلام آن است که کلام برای این‌گونه مخاطبان بدون تأکید آورده شود و در حالی که مخاطب تردید و انکاری ندارد، او را منکر فرض کرده کلام را با مؤکدات مختلف تأکید می‌کنند.

در علم معانی به این حالت، اصطلاحاً اقتضای حال می‌گویند یعنی گوینده مخاطب را منکر فرض می‌کند و سخن خود را با تأکید می‌آورد، علت این مطلب آن است که مخاطب به حقیقت اقرار نمی‌کند. در ابیات تعلیمی کارکرد و بسامد انواع خبر، دال بر اهمیت انتقال صریح پیام در زبان شاعر است و توجه به احوال مخاطب و در نظر گرفتن سطح آگاهی او تعیین‌کننده میزان استفاده از انواع جملات خبری است. از آن جا که اقتضای تعلیم و آموزش بر تأکید استوار است نظامی برای انتقال مؤثرتر مفاهیم اخلاقی، از جملات خبری طلبی بیشتر از خبر ابتدایی بهره برده است.

بنابراین او با در نظر گرفتن احوال خوانندگان شعر خود به‌ویژه حالت تردید یا انکار برخی مخاطبان، سعی می‌کند جملات خبری را با تأکید بیشتر و به شکل جملات طلبی بیان کند تا از یک سو بتواند اندیشه‌های تعلیمی خود را به شکلی قاطع‌تر به مخاطب منتقل کند و از سوی دیگر حضور فعال مخاطب را در اثر خود نشان دهد. به‌طور کلی تعاریف جملات خبری و تقسیم این جملات به خبر ابتدایی، طلبی و تأکیدی نشان

می دهد که ماهیت این جملات بر وجود مخاطب خواه درجه اول و خواه دوم و سوم استوار است. به ویژه به هنگام کاربرد خبر طلبی، آوردن تأکید در جمله و اصرار بر اثبات سخن از سوی شاعر، زمانی منطقی خواهد بود که او به حضور مخاطبی در متن خود اعتقاد داشته باشد که ممکن است با او هم عقیده نباشد. بنابراین نظامی با کاربرد هر یک از انواع جملات خبری به طور ضمنی بر حضور مخاطب تأکید می کند و در مواردی نشان می دهد که این مخاطب، مردد یا منکر نیز هست. بسامد بالای جملات خبر طلبی نشان می دهد شاعر برای انتقال اندیشه های تعلیمی خود سعی داشته است از جملاتی بهره برد که تأکید و قاطعیت بیشتری دارند تا حتی مخاطب مردد یا منکر را نیز وادار به پذیرش کند.

از مهم ترین شیوه های تأکید و آوردن خبر طلبی، در این نامه ها می توان به موارد زیر اشاره کرد.

- استفاده از جملات خبری با غرض امر مؤکد و در قالب تنبیه و تحذیر: این ساختار برای جلب توجه مخاطب استفاده می شود و بر بار تأکیدی جمله می افزاید.

سخن باید که با معیار باشد که پر گفتن خران را بار باشد
(نظامی، ۱۳۹۱: ۳۳۲)

چو عمر از سی گذشتت یا خود از بیست نمی شاید دگر چون غافلان زیست
(همان: ۳۹)

- مبالغه در وصف:

سخن را تلخ گفتن تلخ رایست که هر کس را در این غار اژدهایست
(همان: ۳۳۲)

بسا آینه کاندردست شاهان سیه گشت از نفیر دادخواهان
(همان: ۳۹۸)

جهان چون مار افعی پیچ در پیچ است تو را آن به کزو در دست هیچ است
(همان: ۴۱۶)

- استفاده از ضمیر مشترک:

وگر خود علم جالینوس دانی
چو مرگ آمد به جالینوس مانی
(نظامی، ۱۳۹۱: ۴۴۳)

به چشم خویش دیدم در گذرگاه
گرفتم خود که عطار وجودی
که زد بر جان موری مرغکی راه
تو نیز آخر بسوزی گر چه عودی
(همان)

- کاربرد ضمائر اشاره در ابتدای جمله:

بدین اندیشه چون دلشاد گردی
ز بند تاج و تخت آزاد گردی
(همان: ۴۱۷)

در این صندل سرای آبنوسی
گهی ماتم بود گاهی عروسی
(همان: ۲۶۹)

چنین گفتند دانایان هشیار
که نیک و بد به مرگ آید پدیدار
(همان: ۱۸۰)

- کاربرد بسا در ابتدای جمله:

بسا زاده که کشت آن را کزو زاد
بس آهن کو کند بر سنگ بیداد
(همان: ۴۱۳)

بسا بیگانه کز صاحب وفایی
ز خویشان بیش دارد آشنایی
(همان)

بسا بادیه که در ساغر کشیدند
به جرعه ریختندش چون چشیدند
(همان: ۱۲۱)

- تکرار کلمه:

چو هر کو راستی در دل پذیرد
جهان گیرد، جهان او را نگیرد
(همان: ۷۹)

کسی کو با کسی بد ساز گردد بدو روزی همان بد باز گردد
(نظامی، ۱۳۹۱: ۲۶۳)

من از بی دانشی در غم فتادم شدم خشک از غم اندر نم فتادم
(همان: ۲۰۰)

بد آید فال، چون باشی بداندیش چو گفתי نیک، نیک آید فرا پیش
(همان: ۱۴۷)

- کاربرد ادات تأکید:

همیدون جام گیتی خوشگوار است به اول مستی و آخر خمار است
(همان: ۱۷۷)

- تکرار ضمیر:

وگر در عشق بر تو دست یابد تو را هم غافل و هم مست یابد
(همان: ۱۲۰)

- تأکید به وسیله ادات قصر:

حفاظ آینه این یک هنر بس که پیش کس نگوید عیب ناکس
(همان: ۱۸۹)

ز هستی تا عدم مویی امید است مگر کان موی خود موی سپید است
(همان: ۳۹۵)

- مقدم داشتن آنچه باید مؤخر باشد:

تقدیم اجزایی که باید مؤخر باشد؛ قابلیت زبانی است که سبب ارتباط مؤثرتر با مخاطب می شود و به همین دلیل در متون تعلیمی جایگاه ویژه ای دارد. به عنوان مثال در ابیات زیر تقدیم مسند، سبب تأکید بر مفهوم کل جمله می شود و خواننده را در همان آغاز جمله به اهمیت پیام و دریافت آن راهنمایی می کند.

چنین است آفرینش را ولایت که باشد هر بهاری را نهایت
(همان: ۱۶۵)

نیامد شیشه‌ای از سنگ در دست که باز آن شیشه را هم سنگ بشکست
(نظامی، ۱۳۹۱: ۱۶۵)

نظر کردم ز روی تجربت هست خوشی‌های جهان چون خارش دست
(همان: ۱۷۷)

جوان مردان که دل در جنگ بستند به جان و دل ز جان آهنگ رستند
(همان: ۴۲۸)

- تأکید به وسیله حروف منفی که موجب قصر کلام نیز می‌شود:

نه هر کس صحت او را تب نگیرد نه هر کس را که تب گیرد بمیرد
(همان: ۴۱۵)

درین سنگ و درین گل مرد فرهنگ نه گل بر گل نهد نه سنگ بر سنگ
(همان: ۴۲۹)

نه هر زن زن بود هر زاده فرزند نه هر گل میوه آرد هر نی‌ای قند
(همان: ۴۱۳)

۲-۲-۳- مقاصد ثانویه خبر در ابیات تعلیمی خسرو و شیرین

با این که در ابیات تعلیمی خسرو و شیرین در مواردی خبر در معنای حقیقی به کار رفته است اما بیشتر جملات خبری در معنای ثانویه آمده است. گفته شد که معانی ثانویه خبر منشأ کارکرد هنری جمله و تأثیرگذاری آن در برقراری و تحکیم ارتباط متکلم و مخاطب است. به عبارت دیگر تأثیرگذاری بر مخاطب و تقویت ارتباط با او از طریق مقاصد ثانوی خبر میسر می‌شود. در بررسی ابیات حیطه پژوهش بیشترین اغراض ثانویه خبر عبارت‌اند از:

- ابراز تأسف و اندوه:

چه چاره کان بنی آدم نداند به جز مردن کزان بیچاره ماند
(همان: ۲۲۱)

- تشویق:

جهان تلخ است و خوی تلخ ناکش به کم خوردن توان رست از هلاکش
(نظامی، ۱۳۹۱: ۱۷۸)
سخای ابر از آن آمد جهانگیر که در طفلی گیاهی را دهد شیر
(همان: ۱۷)

- هشدار:

ز کم خوردن کسی را تب نگیرد ز پر خوردن به روزی صد بمیرد
(همان: ۱۷۸)
بداند هر که با تدبیر باشد که تنها خوار تنها میر باشد
(همان: ۲۷۵)

- توبیخ و ملامت:

کهن دولت که باشد دیر پیوند رعیت را نباشد هیچ دربند
(همان: ۳۹۸)

- اظهار ضعف و ناتوانی:

رعونت در دماغ از دام ترسم طمع در دل ز کار خام ترسم
(همان: ۲۴)

۳- جملات انشایی:

انشا در لغت به معنای ایجاد است و اگر خبر را جمله‌ای بدانیم که در ذات آن احتمال صدق و کذب وجود دارد و به عبارتی می‌توان آن را راست یا دروغ پنداشت، «انشا کلامی است که بالذات محتمل صدق و کذب نیست» (هاشمی، ۱۳۷۹: ۷۵). بنابراین چون انشا از واقعه‌ای در خارج خبر نمی‌دهد نمی‌توان آن را دروغ یا راست دانست. «مطابقت خبر با واقعیت خارجی به این معناست که جمله خبری از وقوع یا لا

وقوع امری در خارج خبر می‌دهد در حالی که مطابقت نداشتن انشا حکایت از وقوع یا لا وقوع امری در خارج نیست و جز با تلفظ به کلمات خاصه آن حاصل نمی‌شود. چنان‌که طلب فعل زدن در لفظ بز و طلب خودداری یا نهی از آن در لفظ مزین. طلب محبوب در لفظ تمنا کاشکی و کاش وجود دارد» (رضانژاد، ۱۳۶۷: ۲۹۱).

به طور کلی انشا به دو گونه طلبی و غیرطلبی تقسیم می‌شود؛ انشای طلبی در منابع بلاغی اهمیت بسیار دارد، به طوری که بحث‌های مفصلی درباره ابواب آن در علم معانی مطرح شده‌است اما در مقابل با وجود اهمیت مبحث انشای غیر طلبی، آن را خارج از حوزه بررسی‌های بلاغی تلقی کرده‌اند و در آثار بلاغی تنها به اقسام آن اشاره شده است. در بیشتر آثار بلاغی منظور از بحث انشا، انشای طلبی است و انشای غیر طلبی را موضوع بررسی بلاغی نمی‌دانند. بعضی دلیل مهم تفکیک انشای غیرطلبی از انشای طلبی را «نخواستن و طلب نکردن» یا «طلب نکردن در وقتی که مورد طلب حاصل باشد» دانسته‌اند (رجایی، ۱۳۵۹: ۱۳۲؛ رضانژاد، ۱۳۶۷: ۲۹۱)؛ اما انشای طلبی خواستن چیزی است به ایجاب یا به سلب، یعنی امر و نهی و طبق نظر قدما شامل تمنی، امر، نهی، استفهام، ندا و دعا می‌شود. با توجه به این که نظامی، دو دسته از جملات انشای طلبی یعنی جملات امری و پرسشی را برای بیان اندیشه‌های تعلیمی استفاده کرده است، در این بخش به این دسته از جملات و اغراض ثانویه آن‌ها در ابیات مربوط پرداخته می‌شود.

۳-۱- جملات امری

در معالم البلاغه امر به این شکل تعریف شده‌است «امر طلب حصول فعل است بر سبیل استعلا یعنی در حالتی که طالب خود را در شأن و مرتبه بالاتر از کسی که از او طلب می‌کند بداند خواه در حق و واقع چنین باشد یا نه بلکه فقط به حسب ادعای طالب باشد و لذا در صورت دوم طالب را به اسائه ادب موصوف کنند» (رجایی، ۱۳۵۹: ۱۴۹).

غرض اصلی از امر، تقاضا یا دستور است اما در ادبیات در مقاصد مجازی هم به کار می‌رود. این دسته از جملات، در انتقال اندیشه‌های تعلیمی نظامی نقش بسیار مهمی دارند. در آثار بلاغی معمولاً ارشاد معنای ثانوی جملات امری است اما در ابیات تعلیمی که هدف اصلی متکلم تعلیم و ارشاد مخاطب است بهتر است ارشاد در جایگاه معنای اصلی و حقیقی جمله در نظر گرفته شود زیرا غرض اصلی همه جملات تعلیمی به‌ویژه در امر و نهی ارشاد مخاطب است.

در بررسی ابیات تعلیمی خسرو و شیرین بسیاری از جملات با معنای حقیقی و به قصد ارشاد به کار رفته‌اند؛ اما نظامی علاوه بر این که در ابیات بسیاری امر را به‌طور مستقیم و برای ارشاد و راهنمایی به کار برده، در مواردی نیز علاوه بر غرض اصلی ارشاد و راهنمایی، ابیات تعلیمی را با معانی ثانویه زیر بیان کرده است.

- تشویق:

دل عالم تویی در خود مبین خرد بدین همت توان گوی از جهان برد
(نظامی، ۱۳۹۱: ۴۱۷)

- هشدار:

منه دل بر جهان کاین سرد ناکس وفاداری نخواهد کرد با کس
(همان: ۴۲۴)

- توبیخ و ملامت:

تو را حرفی به صد تزویر در مشت منه بر حرف کس بیهوده انگشت
(همان: ۱۸۹)

همان‌گونه که در نمودار می‌بینیم جملات امر در معنای حقیقی ارشاد بیان شده‌اند اما معانی ثانویه‌ای نیز می‌توان از ابیات برداشت کرد که مهم‌ترین آن‌ها تشویق است. نظامی از طریق جملات امری مخاطب خود را برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف متعالی ترغیب می‌کند و در درجه اول سعی دارد از طریق امید بخشیدن و تشویق، مخاطب

خود را به خیر و نیکی رهنمون کند.

پس از کاربرد جملات امری با معنای تشویق، بیشترین جملات امری با معنای ثانویه هشدار به کار رفته‌اند. نظامی در بسیاری از ابیات سعی دارد از طریق هشدار مخاطب خود را آگاه کند و مناسب‌ترین راه برای ورود به مقوله هشدار و تحذیر را بهره‌گیری از جملات امری می‌داند. او با آگاهی از قابلیت جملات امری در مقوله‌های معنایی متفاوت، از این جملات و معانی ثانویه آن‌ها مناسب با فضای اثر خود بهره می‌برد. به عنوان مثال در بخش‌هایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم مخاطب او پادشاه و بزرگان هستند از جملات امری بهره می‌برد که دارای درون‌مایه پند و اندرز هستند و معنای ثانویه تشویق و ترغیب را در خود دارند تا از این طریق به گونه‌ای محترمانه مخاطب را به نیکی و عدالت تشویق کند. جملات امری که یا این معنای ثانویه همراه باشند کلام را به سوی سادگی و بعد عاطفی بیشتری هدایت می‌کند و بر مخاطبین تأثیرگذارتر است. هم‌چنین در بسیاری از ابیاتی که روی سخن نظامی با تمامی مخاطبین خود است، مانند حکیمی آگاه به مسائل دینی و دنیوی سعی می‌کند از طریق جملات امری و با معنای هشدار و تحذیر مخاطب خود را ارشاد و هدایت کند. گاه نیز برای ارشاد مخاطب از جملات امری با معنای ثانویه توبیخ و ملامت بهره می‌گیرد. بنابراین نظامی با کاربرد جملات امری در این معنا مخاطب خود را به طور غیرمستقیم از بدی باز می‌دارد و به خوبی رهنمون می‌شود.

در مجموع کاربرد جملات امری چه در معنای حقیقی آن و چه در معنای ثانویه، بیان‌گر اهمیت آن در اندیشه تعلیمی نظامی است. بسامد بالای جملات امری در میان ابیات تعلیمی خسرو و شیرین نشان از اهمیت متکلم برای حضور مخاطب در متن دارد زیرا ارشاد، هشدار، تشویق و توبیخ و ملامت در صورتی از سوی متکلم معقول است که او به حضور مخاطب اعتقاد داشته باشد و ارتباط نزدیکی با او در متن داشته باشد. یکی از ارکان اصلی تأثیرگذاری ادبیات تعلیمی تقویت ارتباط میان متکلم و مخاطب

است و متکلم هوشیار و موفق کسی است که از ابزارهای طبیعی مخاطب محور در ایجاد ارتباط کلامی بهره ببرد. جملاتی که به طور مستقیم مخاطب را مورد توجه قرار دهند، ابزارهای طبیعی ایجاد ارتباط کلامی هستند. به نظر می‌رسد نظامی با شناخت این ویژگی ادبیات تعلیمی و کاربرد گسترده جملات خبری طلبی، جملات امر و نهی و جملات پرسشی که مستقیماً مخاطب را مورد توجه قرار می‌دهند، مطالب تعلیمی خود را به شیوه‌ای مؤثر بیان کرده‌است.

۳-۲- جملات پرسشی

پرسش یا استفهام یکی از اقسام انشای طلبی است که به دلیل پذیرش معانی ثانوی و تأثیرگذاری در نحوه انتقال مفهوم و عاطفه به مخاطب، از ابواب مهم علم معانی محسوب می‌شود. در کتاب‌های بلاغی فارسی نیز تعاریفی ارائه شده است که با توجه به منابع عربی مباحثی درباره استفهام مطرح کرده‌اند و در مواردی حتی الفاظی که به‌عنوان الفاظ استفهام معرفی شده عربی است. تعریفی که همایی از پرسش ارائه می‌کند، نسبت به سایر منابع فارسی رساتر است. «استفهام در حقیقت به معنای پرسیدن است در مواردی که گوینده جاهل به امری باشد» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۰۵).

پرسش تا زمانی که به قصد طلب درک مجهول به کار رود، در معنای حقیقی خود به کار رفته‌است و در صورتی که گوینده انتظار شنیدن پاسخ از مخاطب نداشته باشد در معنای ثانوی خود به کار گرفته شده‌است. این نوع پرسش را پرسش بلاغی یا هنری یا ادبی یا استفهام مجازی و یا استفهام در معنای ثانویه نیز می‌نامند (ر.ک. کزازی، ۱۳۸۵: ۲۰۶، رنجبر، ۱۳۸۵: ۳۸) «در این موارد پرسش‌گر نمی‌پرسد تا بداند بلکه هدف اصلی کلام او شگفتی، توییح، سرزنش، استرحام، اندوه یا تمنی است. تنوع مقاصد ثانوی پرسش نشان می‌دهد که گوینده از این طریق بهتر و بیشتر می‌تواند پیام خود را ابلاغ و اندیشه‌های خود را القا کند» (آقاحسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

بر همین اساس بررسی جملات پرسشی مربوط به ابیات تعلیمی خسرو و شیرین نیز

نشان داد بیشتر جملاتی که در این آثار به شکل پرسشی به کار رفته، برای دریافت پاسخ از سوی مخاطب بیان نشده است. این گونه پرسش‌ها نوعی تأییدگرفتن ذهنی از مخاطب است و در حقیقت همان شیوه‌ای است که ارسطو در فن خطابه متذکر می‌شود: «برخی تأثیرات پرسش توسط شیوه‌ای که سخنرانی نویسان به کار می‌برند بر مستمعان گذاشته می‌شود تا بتواند از آگاهی دیگران بهره‌ای برده باشد» (ارسطو، ۱۳۷۱: ۲۱۳). پرسش چه در معنای حقیقی و چه در معنای ثانویه در ایجاد ارتباط متکلم با مخاطبین بسیار مؤثر است زیرا جملات پرسشی، مستقیماً مخاطب را در مرکز توجه قرار می‌دهند و او را در گفت‌وگو سهیم می‌کنند.

در جملات پرسشی حیطه تحقیق گاه نظامی بی آن که انتظار دریافت پاسخی را داشته باشد، با توجه به احوال مخاطب تنها تقاضای تأیید از سوی او را دارد. در این گونه موارد حتی اگر مخاطب اطلاعی از موضوع نیز نداشته باشد، نظامی با مثال این گونه پرسش‌ها به نوعی از مخاطب تأیید درونی می‌گیرد و مطلب را چنان بدیهی جلوه می‌دهد که ضمیر مخاطب ناآگاه را راهنمایی می‌کند و او را از این طریق وادار به پذیرش تعلیمات خود می‌کند. «این امر به فرآیند آموزش و تعلیم کمک می‌کند و از آن‌جا که حضور مخاطب احساس می‌شود، تأثیر کلام نیز افزایش می‌یابد» (محمودی، ۱۳۹۳: ۲۵۶). بیت زیر نمونه‌ای از این شیوه تعلیم نظامی از طریق جملات پرسشی است.

چو بتوان راستی را درج کردن دروغی را چه باید خرج کردن؟

(نظامی، ۱۳۹۱: ۳۱)

هم‌چنین گاه نظامی برای بیان نکات تعلیمی خود هم‌زمان با ذکر پرسش، پاسخ آن را نیز بیان می‌کند. این شیوه پرسش سبب می‌شود جست و جو و تلاش ذهنی مخاطب برای یافتن پاسخ متوقف شود و تنها بر روی پاسخ بیان شده تمرکز کند. بیت زیر نمونه‌ای از این شیوه تعلیم نظامی است که پس از مذمت دنیا مخاطب را مورد توجه

قرار می‌دهد و خطاب به او می‌گوید:

مباش ایمن که با خوی پلنگ است کجا ایمن شود؟ آخر دو رنگ است

(نظامی، ۱۳۹۱: ۱۸۷)

تو پنداری که تو کم قدر داری؟ تویی تو کز دو عالم قدر داری

(همان: ۴۱۷)

در مواردی نیز نظامی از طریق جملات پرسشی انکاری به اهداف تعلیمی خود دست می‌یابد. او به یاری این دسته از جملات پرسشی و با لحن تحکم‌آمیز نهفته در آن‌ها از سویی مخاطبان آگاه به مطلب را مورد توجه قرار می‌دهد و از سوی دیگر از این جملات به صورت عاملی برای گرفتن تأیید ذهنی از مخاطبان ناآشنا بهره می‌برد. در استفهام انکاری هدف اصلی اثبات چیزی است که به شکل انکاری مورد پرسش قرار گرفته است. بنابراین نظامی از این ابزار بلاغی با زیرکی در جهت بیان اندیشه‌های تعلیمی خود بهره گرفته است و بدون این که به صورت مستقیم سعی در اثبات عقیده خود داشته باشد با پرسش انکاری به این هدف دست می‌یابد.

چو مخلوقی نه آخر مرد خواهی؟ ز دست مرگ جان چون برد خواهی؟

(همان: ۴۳۵)

بیان جملات پرسشی با اغراض ثانویه، شیوه‌های متفاوت بیان پرسش و در نظر گرفتن احوال مخاطب و استفاده از این ابزار بلاغی در جهت انتقال پیام‌های تعلیمی علاوه بر این که سبب ارتباط نزدیک نظامی با مخاطبان شده به پویایی و زنده بودن متن نیز کمک شایانی کرده است زیرا اگر این گونه مطالب تعلیمی پی در پی و در قالب ارشاد و نصیحت و بدون در نظر گرفتن احوال مخاطب بیان شده بود، برای مخاطب جاذبه‌ای نداشت و متن را به مجموعه‌ای از اندرزهای خشک و خسته کننده تبدیل می‌کرد. «این شیوه در زنده کردن متن و ایجاد ارتباط با هر خواننده‌ای مؤثر است زیرا در جمله‌هایی که مایه توبیخ، امر و تنبیه دارد اولاً موضع برتر گوینده از آن جهت

که مطلب را می‌داند در متن پررنگ می‌شود و ثانیاً مستقیماً مخاطب را در مرکز توجه قرار می‌دهد و در نتیجه به القای مفاهیم و مطالب آموزشی کمک می‌کند» (میریاقری فرد و محمدی ۱۳۸۹: ۱۵۶).

جملات پرسشی به کار رفته در ابیات تعلیمی خسرو و شیرین به ترتیب بسامد، در اغراض زیر به کار رفته‌اند.

- توییح و ملامت:

به روزی چند با این سست رختی بدین سختی چه باید کرد سختی؟
(نظامی، ۱۳۹۱: ۳۷۴)

کسی کو سیم و زر ترکیب سازد قیامت را کجا ترتیب سازد؟
(همان: ۳۹۹)

- استفهام انکاری:

تو پنداری که تو کم قدر داری؟ تویی تو کز دو عالم صدر داری
(همان: ۴۱۷)

- هشدار:

بین دور از تو شاهانی که مردند ز مال و ملک و شاهی هیچ بردند
(همان: ۳۹۹)

خبر دارد که روز و شب دو رنگ است؟ نوالش گه شکر گاهی شرنگ است؟
(همان: ۲۶۹)

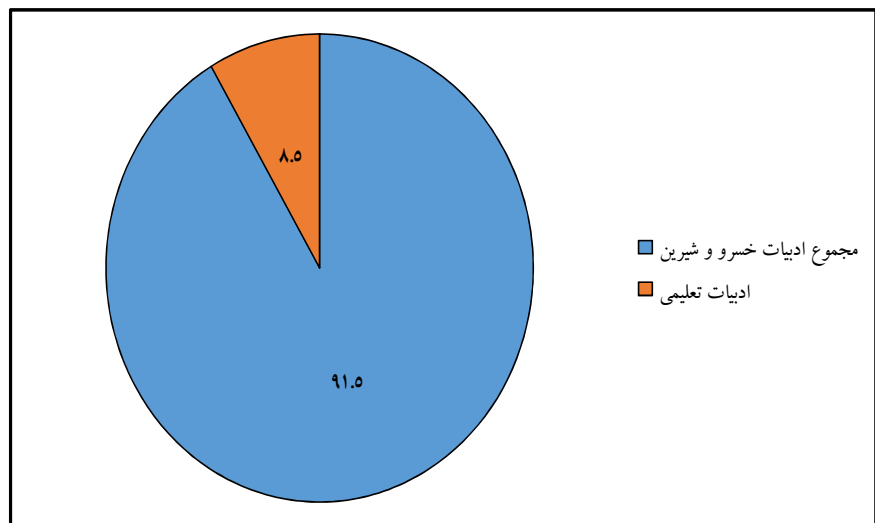
- تأسف:

به غم خوردن نکردی هیچ تقصیر چه شاید کرد با تاراج تقدیر؟
(همان: ۲۶۹)

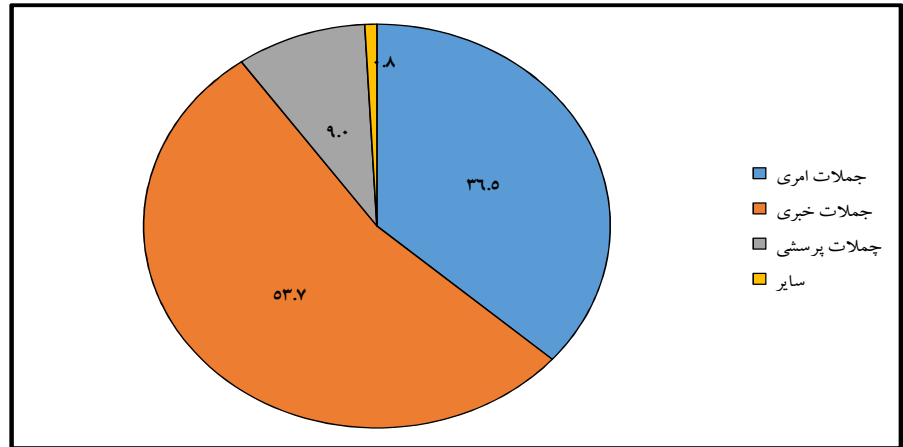
به هنگام کاربرد جملات پرسشی، نظامی معنای ثانویه توییح و ملامت را بیشتر از سایر موارد به کار برده است. در حقیقت او برای انتقال تعالیم اخلاقی و بازداشتن

مخاطب از اشتباه، به جای امر یا نهی مستقیم سعی کرده است از طریق مقوله پرسش و با زبان عاطفی و ساده و صمیمی ملامت، به این مهم دست یابد. نظامی برای توبیخ آز و طمع، دل نبستن به دنیا، فراموشی مرگ و... این دسته از جملات را استفاده می کند و سعی می کند با ابزار بلاغی پرسش خوانندگان را از معیارهای انسانی آگاه کند و در راه رسیدن به سعادت یاری دهد.

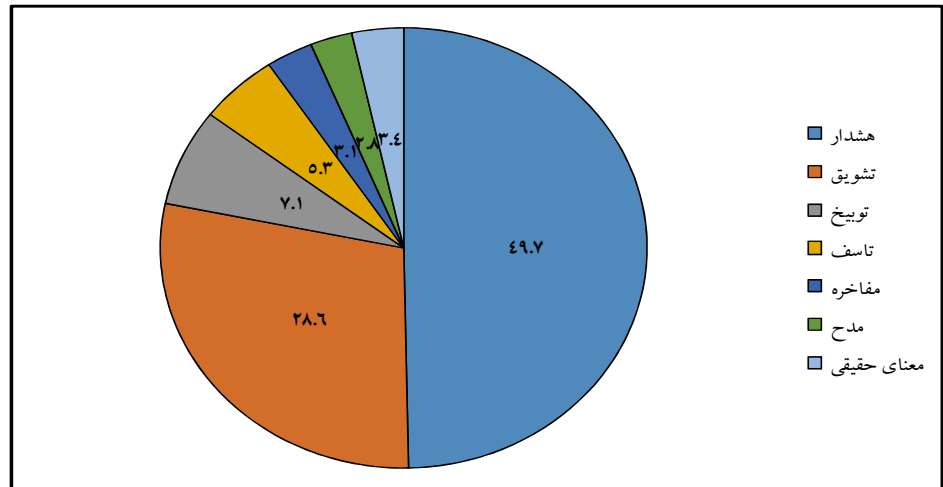
پس از توبیخ و ملامت بیشترین جملات پرسشی در معنای انکار هستند و نظامی از این طریق بدون این که به صورت مستقیم سعی در اثبات عقیده خود داشته باشد، با پرسش انکاری به این هدف دست می یابد. هم چنین پرسش بلاغی که در آن گوینده هیچ گونه انتظاری برای دریافت پاسخ ندارد، یکی از راه های مؤثر برای برجسته سازی پیام است. بنابراین نظامی از طریق پرسش و بدون کاربرد روش مستقیم پند و اندرز، پیام اخلاقی مورد نظر خود را با برجستگی و تأکید بیشتر به مخاطب منتقل می کند.



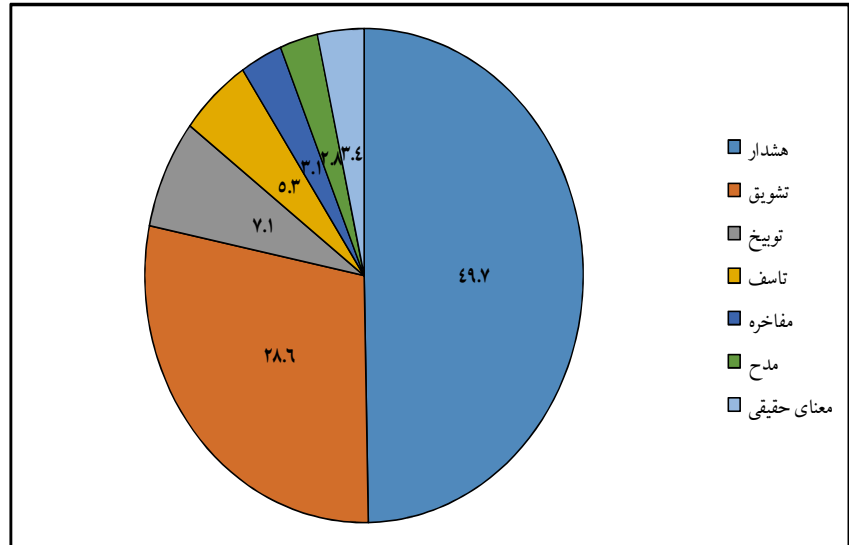
نمودار یک: فراوانی ابیات تعلیمی خسرو و شیرین



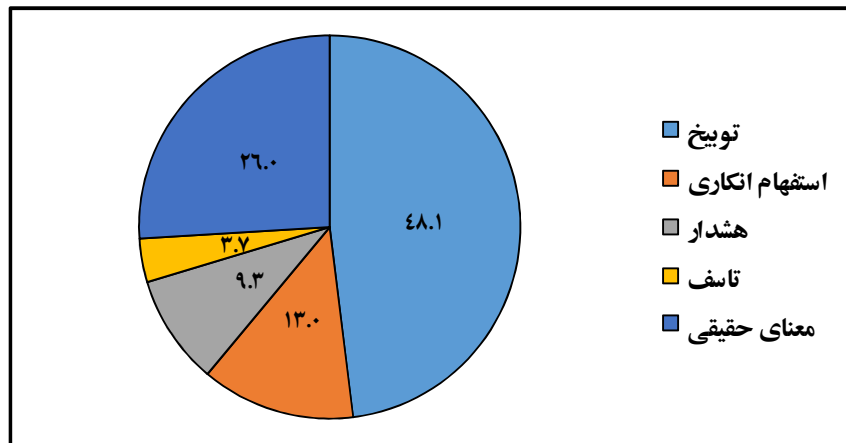
نمودار دو: فراوانی جملات به‌کار رفته در ابیات تعلیمی خسرو و شیرین



نمودار سه: اغراض ثانویه خبر در ابیات تعلیمی



نمودار چهار: اغراض ثانویه امر در ابیات تعلیمی



نمودار پنج: اغراض ثانویه پرسش در ابیات تعلیمی

نتیجه

بررسی ابیات تعلیمی خسرو و شیرین و بسامد آن‌ها در این اثر نشان می‌دهد حکیم نظامی حتی در غنایی‌ترین اثر خود نیز از حکمت و پند و اندرز غفلت نمی‌کند و سعی می‌کند بر افکار و اندیشه مخاطبان خود تأثیر بگذارد. بسامد کاربرد جملات خبری و انشایی در این ابیات از روش‌های مؤثر و برای ارشاد مخاطب و انتقال مفاهیم اخلاقی به شیوه‌های گوناگون با معانی ثانویه است. بسامد انواع خبر در ابیات تعلیمی، دال بر اهمیت انتقال صریح پیام در زبان نظامی است. هم‌چنین استفاده از انواع جملات خبری نشان دهنده توجه شاعر به احوال مخاطب و در نظر گرفتن سطح آگاهی او در بیان اندیشه‌های تعلیمی است. از همین رو نظامی در درجه نخست از خبر طلبی که تأکید بیشتری دارد برای بیان و انتقال پیام خود بهره گرفته و پس از آن از جملات خبری ابتدایی استفاده کرده‌است. یکی دیگر از راه‌های ارشاد و تأثیرگذاری او بر مخاطب کاربرد جملات امر و نهی است. این دسته از جملات با توجه به محتوای ابیات در بسیاری موارد در معنای حقیقی ارشاد بیان شده‌اند؛ اما معانی ثانویه‌ای نیز می‌توان از ابیات برداشت کرد که مهم‌ترین آن‌ها تشویق است. نظامی از طریق جملات امر مخاطب خود را برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف متعالی ترغیب می‌کند و در درجه اول سعی دارد از طریق امید بخشیدن و تشویق، مخاطب خود را به خیر و نیکی رهنمون کند.

پس از کاربرد جملات امری با معنای تشویق، بیشترین جملات امری با معنای ثانویه هشدار به کار رفته‌اند. نظامی در بسیاری از ابیات سعی دارد از طریق هشدار مخاطب خود را آگاه کند و مناسب‌ترین راه برای ورود به مقوله هشدار و تحذیر را بهره‌گیری از جملات امری می‌داند. او با آگاهی از قابلیت جملات امری در مقوله‌های معنایی متفاوت، از این جملات و معانی ثانویه آن‌ها مناسب با فضای اثر خود بهره می‌برد.

به هنگام کاربرد جملات پرسشی، نظامی معنای ثانویه توبیخ و ملامت را بیشتر از سایر موارد به کار برده است. در حقیقت او برای انتقال تعالیم اخلاقی و باز داشتن مخاطب از اشتباه، به جای امر یا نهی مستقیم سعی کرده است از طریق مقوله پرسش و با زبان عاطفی و ساده و صمیمی ملامت، به این مهم دست یابد. نظامی برای توبیخ آز و طمع، دل نبستن به دنیا، فراموشی مرگ و... از این دسته از جملات استفاده می‌کند و سعی می‌کند با ابزار بلاغی پرسش خوانندگان را از معیارهای انسانی آگاه کند و در راه رسیدن به سعادت یاری دهد.

پس از توبیخ و ملامت بیشترین جملات پرسشی در معنای انکار هستند. در استفهام انکاری هدف اصلی اثبات چیزی است که به شکل انکاری مورد پرسش قرار گرفته است. بنابراین نظامی از این ابزار بلاغی نیز با زیرکی در راستای بیان اندیشه‌های تعلیمی خود بهره گرفته است و بدون این که به صورت مستقیم سعی در اثبات عقیده خود داشته باشد با پرسش انکاری به این هدف دست می‌یابد. پرسش بلاغی که در آن گوینده هیچ‌گونه انتظاری برای دریافت پاسخ ندارد یکی از راه‌های مؤثر برای برجسته سازی پیام است. بنابراین نظامی از طریق پرسش و بدون کاربرد روش مستقیم پند و اندرز، پیام اخلاقی مورد نظر خود را با برجستگی و تأکید بیشتر به مخاطب منتقل می‌کند.

منابع

- ۱- ارسطو. (۱۳۷۱). *ریطوریکا (فن خطابه)*. ترجمه پرخیده ملکی. تهران: اقبال.
- ۲- آقا حسینی، حسین و براتی، محمود. (۱۳۹۰). اهمیت پرسش در متون عرفانی. *مجله کاوش نامه*. سال ۱۲. شماره ۲۲. ص.ص: ۱۶۰ - ۱۳۱.
- ۳- تفتازانی، سعدالدین مسعود. (بی تا). *مختصرالمعانی فی تلخیص المفتاح*. قم: مصطفوی.

- ۴- تقوی، نصرالله. (۱۳۶۳). *هنجار گفتار در فن معانی و بیان و بدیع فارسی*. اصفهان: فرهنگسرای اصفهان.
- ۵- رجایی، محمدخلیل. (۱۳۵۹). *معالم البلاغه*. شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۶- رزمجو، حسین. (۱۳۸۲). *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۷- رضانژاد، عبدالحسین. (۱۳۶۷). *اصول علم بلاغت در زبان فارسی*. قم: الزهرا.
- ۸- رنجبر، احمد. (۱۳۸۵). *معانی*. تهران: اساطیر.
- ۹- ریاحی، لیلی. (۱۳۵۸). *قهرمانان خسرو و شیرین*. تهران: امیرکبیر.
- ۱۰- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). *انواع ادبی*. *مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی*. شماره ۳۲. ص. ۹ - ۴.
- ۱۱- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). *بیان و معانی*. تهران: فردوس.
- ۱۲- شهبابی، علی‌اکبر. (۱۳۳۴). *نظامی شاعر داستان‌سرا*. تهران: ابن سینا.
- ۱۳- صادقیان، محمدعلی. (۱۳۷۱). *طراز سخن در معانی و بیان*. یزد: ریحانه الرسول.
- ۱۴- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۵). *معانی زیباشناسی سخن پارسی*. تهران: کتاب‌ماد.
- ۱۵- محمودی، مریم. (۱۳۹۳). *بررسی اغراض بلاغی خبر و انشا در سبک تعلیمی ناصرخسرو (با تکیه بر دیوان قصاید)*. *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*. سال هفتم. شماره دوم. شماره پیاپی ۲۴. ص. ۲۶۶-۲۵۱.
- ۱۶- میرباقری فرد، علی اصغر و محمدی، معصومه. (۱۳۸۹). *بررسی و تحلیل نقش پرسش در آثار عین‌القضات همدانی*. *مجله پژوهش‌های ادبی*. سال ۷. شماره ۲۹ و ۳۰. ص. ۱۶۶-۱۴۹.

۱۷- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۱). خسرو و شیرین. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.

۱۸- هاشمی، احمد. (۱۳۸۸). جواهر البلاغه. ترجمه حسن عرفان. قم: بلاغت.

۱۹- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۴). معانی و بیان. به کوشش ماهدخت بانو همایی. تهران: هما.

۲۰- یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی دهقان. سال ۳. شماره ۱۱. ص.ص. ۱۷۷-۱۵۳.